بسم الله الرحمن الرحیم

شجرهٔ پیران چهارده خانواده از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وسلم بحضرت شاه مردان
علی کرم الله وجهه از امیر المؤمنین علی بخواجه حسن بصری از آنجا دو سلسله شدند
یکی حبیب عجمی دویم عبد الواحد بن زید و از حبیب عجمی چهارده خانواده گشتند اول
حبیبیان دویم طیفوریان سیوم کرخیان چهارم سقطیان پنجم جنیدیان
ششم گازرونیان هفتم طوسیان هشتم فردوسیان نهم سهروردیان و از آن
اول خانواده مذکور حبیبیان میگویند حبیب عجمی والد آن از احفاد عبد الرحمن ابن
عوف بودند و هر دو برادر از آن عالم و متقی و از علما الناس بودند هر دو مرید حبیب عجمی شدند
خلوت و عزلت اختیار کردند و حبیب عجمی ایشان را خود را حبیبیان گویانند
نسبت با واحد او خود ترک کردند و مشغول با حق گشتند و حبیب عجمی ایشان را
خلافت داد و گفت در کوه و صحرا باشید و قربت و امیزش با خلق
نکنید و مغرور باشید افطار بهفته یک خرما و یا دو خرما کنید و زیاده از آن
نخورید تا فتح کار شما خواهد شد و آن هر دو برادر آن همچنان کردند مدت دوازده سال
متواتر مشغول در کوه بودند یک هفته افطار کردندی سند و روش ایشان آن
بود از مجلس حاضر نشدندی و فتوح که قبول نکردندی بهفته چهار هفته و یک
یک خرما و میوه جنگلی میخوردندی دایم در ذکر خدا تعالی بودندی و سرعت

بسم الله الرحمن الرحيم

[redacted]

277

بغداد و بعضها مریدان شیخ معروف کرخی شدند و نسبت پدر و جد خود را نگاه داشتند
و مشغول خدا ایشان شدند پس این طایفه یافتند ترک خانها کرده و خلوت ساخته
از خانه خود بهتر میدانستند و ریاضت و مجاهده کردند و چشمهای دل ایشان روشن
شد از عشق تا تحت اکثری میدند هر که خواست مرید ایشان شدی اول از
غیر نصد خود را داشتی تا مرید ایشان شدی مطلوب دل رسیدی چهارم
خانواده مذکور سقطیان سری سقطی می بودند او ضبط شیخ معروف کرخی بود و این سقطی
سه طبقه اند ملوک مرید شیخ سری سقطی شدند و خود را بر پیر نسبت کردند و نسبت پیر
با خود محکم کردند و نسبت آباء و اجداد خود ترک نمودند و زندیق شیخ اختیار کردند قایم
الیل و صایم الدهر بودند و فتح کسی قبول نکردند بعد از سه چهار روز یکی از ایشان
از طور بیرون آمدی وقت شام ده خانه با پانزده خانه گردیدی و افطار از آن
نمودی پنجم خانواده مذکور جنیدیان شیخ جنید بغدادی می بودند و او در وقتی بعد از
شیخ عثمان علی دقاق بود و دوم شیخ محمد ابن منصور هر چه او بزرگوار بودند در علم و
تقوی آسته شاگرد امام اعظم ابو حنیفه کوفی رحمه الله بود مرید و متبع گشتند و شیخ وقت
خود شدند بعد از آن اختیار کردند اعتکاف مجاهده و ریاضت نمودند بعد از شیخ جنید
بغدادی شدند و خود را جنیدیان گویانند و نسبت آباء و اجداد و شهر خود را ترک کردند

RAMPUR RAMDARA
قسم المخطوطات

خود را پوشیدندی و اگر جامه نو رسیدی یا نو
و آهوان جنگلی آمدندی و میگوییدی برای دوستان خدا هر فتح کنید
و بخورید دویم خانواده مذکور بطیفوریان میگویانند سلطان
العارفین بایزید بسطامی را طیفور بسطام نامست او خلیفه حبیب
عجمی است مرد بزرگوار و یکصد پنجاه سال عمر داشت خواجه حسن بصری را
دیده بود و حضرت امام جعفر صادق را خدمت کرده بود و نسبت از
حبیب عجمی یافت و چهارتن مرید شیخ طیفوریان گویانند و خرقه
ایشان را بایزید پوشانیده و خرقه چهار نوع است یکی طرفی شکر پاره
برنگ مختلف دویم خرقه هزار میخی سیوم خرقه خشت پاره چهار گوشه مربع
چهارم خرقه زنده خلوت و جامه کهنه افتاده که ملک کس نمیگزیدی در خرقه
هر یکی از آن چهارتن یکی خرقه اختیار کردند و اسامی ایشان اینست شیخ محمود
و شیخ ابراهیم و شیخ احمد و شیخ مسعود و شیخ مسعود خرقه شکر پاره اختیار کرد و شیخ محمود
خرقه هزار میخی اختیار کرد و شیخ ابراهیم خرقه خشت پاره چهار گوشه اختیار کرد و شیخ
زنده خلوت اختیار کرد سیوم خانواده مذکور کرخیان بمعروف کرخی می بودند و شیخ
معروف کرخی خلیفه داود طائی بود و داود خلیفه حبیب عجمی بود و کرخ محله است از محلهای

بغداد و بعضی

بودند و ده نام حروف هجا میخواستندی هفتم خانواده مذکور طوسیان
بجنید بغدادی می پیوندند و در یک خرقه بودند اما سند و روش
طوسیان آنست که سماع و مزامیر می شنودند و قصد ذکر جلی میکردند
خیر و شر را دانستند و آخر را بخواندند و در جو بخرا نمیفتندی ما صنع الله
فهو خیر را گفتندی و در بخشش مومن و کافر غنی و فقیر برابر میدانستندی
هشتم خانواده مذکور فردوسیان بخواجه جنید بغدادی می پیوندند
و ابتدای فردوسیه سهروردی است بدین طریق شیخ نجم الدین کبری فردوسی
و شیخ علاء الدین طوسی هر دو اخوت داشتندی در مجاهده و
ریاضت کامل بودندی و افطار بود هفته یکبار بگیاه جنگلی و با نان جوینی
بی سه لقمه و یا چهار لقمه میخوردندی و نظر الیشان کمتر نعمت بود
و هر که بسر بازار امرید گشتی و بر ایشان رسانیدی هر دو بزرگوار بودند
بخدمت شیخ ضیاء الدین ابو نجیب سهروردی آمدند و عرض حال خود
کردند و گفتند یا شیخ نجیب الدین زندگانی ما بسر رسید و کار من بر نیامد
در مجاهده مردیم و مقصود خود را ندیدیم چکنیم و چه حیله سازیم شیخ ابو نجیب
تلطف فرمود که ما نیز در این داغ مبتلائیم اما حیله آنست که جائی